



## بررسی تعارضات قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵

مواد طهماسبی  
(قاضی دادگستری فرم آباد)

### مقدمه:

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ (تعزیرات)، کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی به مبحث تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده اختصاص دارد. این قانون، اولین قانون دائمی مجازات اسلامی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است. انسجام دادن به قوانین کیفری قبل، جایگزینی مجازات شلاق با مجازات حبس یا جزای نقدی و احصای جرایم قابل گذشت، از دیگر ویژگی‌های عمده این قانون هستند. چنانچه به گذشته سیر قانونگذاری در زمینه مسائل کیفری، از پیروزی انقلاب اسلامی به بعد بنگریم، قوانین کیفری یک سیر تکاملی را پشت سر گذاشته‌اند و با گذشت زمان، در عمل معایب و محاسن قوانین نمود یافته و قانونگذار در صدد تقویت محاسن و رفع معایب برآمده است. براین اساس، هر قانون جدید نسبت به قوانین قبلی کامل‌تر است. با مقایسه قانون

مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، با قوانین حدود و قصاص و دیات سابق و نیز مقایسه کتاب پنجم این قانون که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسیده با قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ و حتی با قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، سیر تکاملی آنها محرز است و ملاحظه می‌گردد قانونگذار با تصویب قوانین جدید درصدد رفع کردن معایب و نواقص قوانین قبلی نیز بوده است. لذا ملاحظه می‌گردد مقرراتی که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده است گاهی در قانون سال ۱۳۷۵ نیز مورد عنایت قانونگذار بوده‌اند، از جمله: مقررات راجع به شروع به قتل عمد و قتل به تسبیب، فحاشی، سرقت، ساخت و تهیه مشروبات الکلی و غیره.... از آنجا که مجموعه قانون مجازات اسلامی از ماده ۱ شروع و تا ماده ۷۲۹ ادامه دارد و هر دو قانون مجازات اسلامی سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ مجموعاً یک قانون محسوب می‌شوند، آیا امکان

تعارض بین مواد این قانون وجود دارد؟ در صورت تعارض بین مواد مختلف این قانون، چگونه باید رفع تعارض کرد؟ درجه مواردی تعارض وجود دارد؟ و این تعارض‌ها ظاهری هستند یا واقعی؟ این‌ها سؤالاتی است که در این مقاله سعی بر پاسخگویی به آنها را داریم. **تعارض مواد مختلف یک قانون:**

گرچه مواد متعدد یک قانون خاص نباید با همدیگر تعارض داشته باشند؛ زیرا هوشیاری قانونگذار باید مانع تصویب مقررات معارض در یک مجموعه باشد و از سوی دیگر، تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی.... است که موجبات تصویب قوانین جدیدی را فراهم می‌نماید که ممکن است با قوانین سابق معارض و آنها را نسخ کنند که قطعاً در مواد یک قانون این اسباب نمی‌تواند موجود باشد، اما عملاً در بعضی قوانین این تعارضات دیده می‌شود که برای عمل به آنها باید به ناچار قائل به نسخ مواد مقدم به وسیله مواد متأخر شد. در مورد قانون مجازات اسلامی

شلاق یا یک ریال جزای نقدی نیز به عنوان حداقل، ضمن اینکه در قانون پیش‌بینی نشده، عاقلانه نیست و با فلسفه وضع مجازات‌ها نیز مغایرت دارد، لذا نمی‌توان ماده ۷۲۶ را اعمال نمود و از شمول این ماده خروج موضوعی دارند. در نتیجه، در این موارد همان ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی حاکم بوده معاون جرم طبق این ماده مجازات می‌گردد. (۱)

ج- در بعضی جرایم، قانونگذار، مجازات را به طور مطلق پیش‌بینی کرده و از کلمه «تا» نیز استفاده نشده؛ مثلاً قید شده است یک ماه حبس یا یکسال حبس یا ۷۴ ضربه شلاق، مثل ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی. در این موارد نیز به لحاظ موضوعیت نداشتن حداقل برای معاون، طبق ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی تعیین کیفر می‌گردد. نتیجه می‌گیریم که مواد ۴۳ و ۷۲۶ هر دو حاکم می‌باشند؛ اما دامنه شمول آنها تفاوت دارد. در واقع ماده ۷۲۶ قانون خاصی است که کلیت ماده ۴۳ را تخصیص داده و در موارد خاصی حاکم است.

#### ۲- تخفیف و تبدیل مجازات:

با وضع ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «قاضی دادگاه می‌تواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازات‌های تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید»، ممکن است این مسئله به ذهن متبادر شود که این ماده به قاضی اختیار داده است تا با در نظر گرفتن خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم، بدون هیچ‌گونه قید دیگر، آزادانه مجازات را تخفیف یا تبدیل نماید و استدلال شود که این امر با قاعده «بما یراه الحاکم» در تعزیرات نیز مطابق بوده، منبعث از مقررات شرعی است. اما مستفاد از منطوق ماده، یعنی قید «...» مقررات مربوط به تخفیف و..... استفاده نماید»، این است که

شلاق می‌باشد، مثل ماده ۶۶۰ که مجازات مرتکب تا سه سال حبس پیش‌بینی شده است و یا مواد متعددی که مجازات مرتکب تا ۷۴ ضربه شلاق قید شده. در این موارد، چون حداقل مجازات پیش‌بینی نشده است و از طرفی ماده ۷۲۶ ناظر به مواردی است که در قانون حداقل مجازات پیش‌بینی شده باشد و در نظر گرفتن یک روز حبس یا یک ضربه

با وضع ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «قاضی دادگاه می‌تواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازات‌های تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید»، ممکن است این مسئله به ذهن متبادر شود که این ماده به قاضی اختیار داده است تا با در نظر گرفتن خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم، بدون هیچ‌گونه قید دیگر، آزادانه مجازات را تخفیف یا تبدیل نماید

وضعیت متفاوت است؛ زیرا قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵، در راستای سیر تکمیلی قوانین کیفری، در صدد رفع نواقص و ابهامات قوانین قبلی نیز بوده و فاصله پنج ساله تصویب قسمت اول و دوم این قانون که سبب شده است در عمل آن را دو قانون بدانند، توجیه‌کننده نسخ موادی از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ به وسیله قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ است. در ذیل به بررسی مقررات معارض این دو قانون می‌پردازیم.

#### مبحث اول: حقوق جزای عمومی

##### ۱- معاونت در جرم:

ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاکی و دفعات و مراتب جرم و تادیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند...» و در ماده ۷۲۶ آمده است: «هرکسی در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود».

ملاحظه می‌گردد در این دو ماده برای معاونت در جرایم تعزیری مجازات‌های متفاوتی پیش‌بینی شده است. در مورد ماده ۷۲۶ با توجه به نحوه پیش‌بینی حداقل مجازات‌ها در قانون، سه شکل قابل تحقق است که ضمن بررسی این اشکال، بیان می‌شود که در هر مورد کدامیک از دو ماده ۴۳ یا ۷۲۶ حاکم است.

الف - در اکثر مقررات کیفری، حداقل مجازات پیش‌بینی شده است؛ مثل مواد ۶۷۵ و ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی که حداقل مجازات به ترتیب دو سال و شش ماه حبس می‌باشد. در این موارد که حداقل مجازات قانونی قید شده، مجازات معاون همان حداقل پیش‌بینی شده است، یعنی ماده ۷۲۶ قابل اعمال و در واقع ناظر به همین موارد است.

ب - در بعضی موارد، بدون قید حداقل، مجازات مقرر شده است که مجازات مرتکب مثلاً «تا» سه سال حبس و یا تا ۷۴ ضربه

قاضی باید شرایط و مقررات قانونی تخفیف و تبدیل مجازات را رعایت نماید؛ یعنی با رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و یا ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، حسب مورد مبادرت به تخفیف یا تبدیل مجازات نماید و ماده ۷۲۸ دلالت بر اختیار بی‌حد و حصر قاضی و نسخ مقررات مواد ۲۲ و ۲۵ فوق‌الذکر ندارد. بنابراین، این مواد قابل جمع هستند. این مسئله در مورد تعلیق مجازات نیز صادق است.

**مبحث دوم: حقوق جزای اختصاصی**  
۱- فحاشی:

ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی، موجب محکومیت گوینده به شلاق تا ۷۴ ضربه می‌شود» و در ماده ۶۰۸ همان قانون آمده است: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد موجب مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود». فحاشی و دشنام دو کلمه مترادف می‌باشند و مصادیق آنها می‌تواند عمل واحد باشد که در دو ماده مختلف از یک قانون برای این عمل مجازات‌های متفاوتی مقرر گردیده است. دربدو امر ممکن است که بین این دو ماده تعارض به نظر برسد، اما باید گفت که ماده ۱۴۵ خاص و ماده ۶۰۸ عام است؛ زیرا ماده ۱۴۵ با ذکر یک مصداق یعنی: «کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی» و همچنین در نظر گرفتن مبحث باب موردنظر که قذف (نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری) است، باید گفت که منظور از دشنام در ماده ۱۴۵ نسبت دادن زنا و لواط است، به‌طور غیرمستقیم و به نحوی که قذف مصداق نداشته باشد که در این صورت، عمل مشمول این ماده و در سایر فحاشی‌ها، به هر لفظ و به هر صورت که بیان شود، مشمول ماده ۶۰۸ می‌باشد از طرفی چون ماده ۶۰۸ عام است نمی‌تواند خاص

**ماده ۲۰۸ مقرر می‌دارد:**

«هرکس مرتکب قتل عمد

شود و شاکای نداشته یا

شاکای داشته ولی از قصاص

گذشت کرده باشد و یا به

هر علت قصاص نشود

در صورتی که اقدام وی

موجب اخلال در نظم و

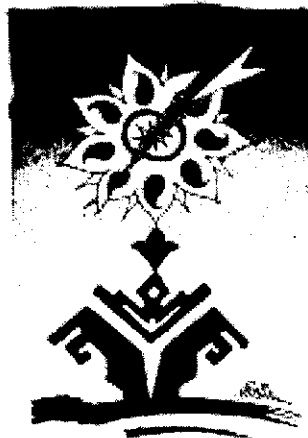
صیانت امنیت جامعه یا

بیم تخریب مرتکب یا

دیگران گردد، دادگاه مرتکب

را به حبس از سه تا ده سال

محکوم می‌نماید»



مقدم را که ماده ۱۴۵ می‌باشد، نسخ نماید.

**۲- قتل عمد:**

ماده ۲۰۸ مقرر می‌دارد: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکای نداشته یا شاکای داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت امنیت جامعه یا بیم تخریب مرتکب یا دیگران اگر دد، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید».

در ماده ۶۱۲ آمده است: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکای نداشته یا شاکای داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا بخره هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت امنیت جامعه یا بیم تخریب مرتکب یا دیگران اگر دد، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید».

تفاوت دو ماده فقط اضافه شدن عبارت «یا» به هر علت قصاص نشود» در ماده ۶۱۲ است. مجازات هر دو ماده یکی است، اما ماده ۶۱۲ دامنه شمول گسترده‌تر شده است. در زمان حاکمیت ماده ۲۰۸، مواردی از قتل عمد تحقق می‌یافت که استناد به‌ذاین ماده مشکل بود. مثلاً وقتی در موردی که پدر، فرزند خود را می‌کشت، گرچه شکایه اعلام رضایت نمی‌کردند، قانوناً قصاص س منتفی بود. حال آیا قاتل فقط به پرداخت دیه محکوم می‌گردد یا می‌توان طبق ماده ۲۰۸ او را به حبس نیز محکوم کرد. با در نظر گرفتن منطوق ماده ۲۰۸، تسری آن به این مورد مشکل است و این مشکل در مورد قتل کافر توسط مسلمان و قتل مهدورالدم نیز مطرح بوده است. ماده ۶۱۲ با ذکر عبارت «یا به هر علت قصاص نشود»، دامنه شمول مجازات حبس پیش‌بینی شده را به تمام موارد فوق گسترش داده و در واقع، علاوه بر مصادیق ماده ۲۰۸، شامل سایر موارد نیز می‌گردد. لذا ماده ۲۰۸ کاملاً نسخ گردیده و در حال حاضر ماده ۶۱۲ حاکمیت دارد.

ما هنا مه شماره ۳۰ . سال پنجم . بهمن و اسفند ۱۳۸۰

چاقو و اسلحه باشد، مجازات خفیف‌تری نسبت به ضرب و جرحهای ساده که با وسایلی غیر از چاقو و اسلحه ایراد می‌شوند، اعمال می‌گردد، درحالی که همواره به کارگیری چاقو و اسلحه از موارد تشدید مجازات بوده است. علت امر به نظر می‌رسد عدم توجه قانونگذار به مقررات تبصره ۲ ماده ۲۶۹ در زمان تصویب تبصره ماده ۶۱۴ باشد. این امر نیاز به توجه قانونگذار دارد تا با اصلاح مقررات فوق این نقیصه برطرف شود.

#### ۴- سرقت:

ماده ۲۰۳ مقرر می‌دارد: «سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب با دیگران باشد اگرچه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد، موجب حبس از شش ماه تا سه سال می‌باشد». در مواد ۶۵۱ به بعد مواردی از سرقت پیش‌بینی شده است که هر یک دارای شرایط و عناصر خاص خود می‌باشد و در هر مورد نیز با عنایت به کیفیت و نوع سرقت، مجازات‌های متفاوتی پیش‌بینی شده است. سرقت‌های موضوع مواد ۶۵۱ به بعد هر یک شرایط خاصی دارد که از شمول ماده ۲۰۳ خارجند. در ماده ۶۶۱ قید شده است: «در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد، مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود». محل شبهه این است که اگر سرقتی دارای شرایط خاص مواد ۶۵۱ به بعد نباشد، آیا مشمول ماده ۶۴۱ خواهد بود یا ماده ۲۰۳ و آیا ماده ۲۰۳ نسخ شده است یا خیر؟

در این مورد باید گفت، در صدر ماده ۲۰۳ قید شده است: «سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد...» در حالی که در صدر ماده ۶۵۱ و همچنین مواد ۶۵۶ و ۶۵۸ قید «جامع شرایط حد نباشد» آمده است. این درحالی است که شرایط اجرای حد با شرایط حد متفاوت می‌باشد شرایط حد در ماده ۱۹۸ ذکر شده است، حال آنکه شرایط اجرای حد در ماده

در (استای سیر تکمیلی  
قوانین کیفری اسلامی،  
قانون مجازات اسلامی  
«تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵،  
به نسبت قوانین قبلی که  
عمدتاً ترجمه متون فقهی  
بوده‌اند، کامل‌تر است

جرح چاقو یا اسلحه و امثال آن باشد مشمول تبصره ماده ۶۱۴ است و اگر همین ضرب و جرح‌ها با غیر چاقو و اسلحه ایراد گردد، مشمول تبصره ۲ ماده ۲۶۹ هستند. با کمال تعجب ملاحظه می‌گردد اگر آلت به کار رفته

#### ماده ۱۴۵ قانون مجازات

اسلامی مقرر می‌دارد: «هر

دشنامی که باعث اذیت

شنونده شود و دلالت بر قذف

نکند مانند اینکه کسی به

زنش بگوید تو باکره نبودی،

موجب محکومیت گوینده به

شلاق تا ۷۴ ضربه می‌شود

#### ۳- ایراد ضرب و جرح عمدی:

تبصره ۲ مقرر می‌دارد ماده ۲۶۹: «در مورد این جرم (قطع عضو یا جرح عمدی) چنانچه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده‌ولکن سبب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد، موجب حبس تعزیری از سه ماه تا دو سال خواهد بود».

ماده ۶۱۴ اشعار دارد: «هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد، چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و سیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد».

عبارت «قطع عضو یا جرح عمدی» آن در تبصره ۲ ماده ۲۶۹، لفظ عامی است که تمام مصادیق ذکر شده در ماده ۶۱۴ را نیز شامل می‌شود. ملاحظه می‌گردد که قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۲۶۹ برای قطع عضو و جرح آن به هر درجه که باشد، سه ماه تا دو سال حبس تعزیری پیش‌بینی کرده است. در ماده ۶۱۴ برای مصادیق خاصی از جمله فقدان عضو و نقص آن و سایر مصادیق تصریح شده در ماده مزبور، مجازات دو تا پنج سال حبس تعیین گردیده است. لذا تبصره ۲ ماده ۲۶۹ عام و ماده ۶۱۴ خاص است؛ یعنی هرگاه نتیجه جرح، نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقلی مجنی‌علیه گردد، جرم مشمول ماده ۶۱۴ است و برای مرتکب دو تا پنج سال حبس باید در نظر گرفته شود و سایر جراحات مشمول تبصره ۲ ماده ۲۶۹ هستند.

ضرب و جرحی که نتیجه آن، موارد پیش‌بینی شده در متن ماده ۶۱۴ نباشد، ولی آلت

شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی پیش‌بینی شده است. ملاحظه می‌شود در بعضی از مصادیق، یعنی ساختن، خرید، فروش، عرضه و حمل‌دمشروبات الکلی دو قانون با همدیگر در تعارض هستند، حال چگونه باید رفع تعارض کرد و کدام قانون حاکم است؟

بعضی عقیده دارند که با دقت در این دو ماده می‌توان این گونه رفع تعارض نمود که اگر کسی تمامی اعمال ساختن، تهیه کردن، خرید و فروش و عرضه مشروبات الکلی را مرتکب شود مشمول ماده ۱۷۵ است. و اگر کسی فقط یک یا چند تا از اعمال ساختن، فروختن در معرض فروش قرار دادن یا از خارج وارد کردن و یا در اختیار دیگری قرار دادن را انجام دهد، مشمول ماده ۷۰۳ خواهد بود و اگر کسی یک یا چند تا از اعمال خریدن، حمل یا نگهداری مشروبات الکلی را انجام دهد، مشمول ماده ۷۰۲ می‌شود. (۲) این استدلال به نظر صحیح نمی‌رسد، زیرا در این صورت در زمان حاکمیت ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی، بایست شرط تحقق جرم موضوع این ماده، ارتکاب تمام اعمال، یعنی ساختن، تهیه، خرید، فروش، حمل و عرضه توسط یک نفر بوده باشد؛ یعنی مجرم بایست مجتمعاً تمام اعمال فوق را انجام می‌داد تا بتوان طبق این ماده وی را کیفر کرد و الا در صورت ارتکاب یک یا چند مورد از مصادیق فوق، عنصر مادی جرم ناتمام بود و فقط می‌توانست مشمول مقررات شروع به جرم گردد؛ اما به واقع در زمان حاکمیت ماده ۱۷۵، این چنین عمل نمی‌شد و دادسرا و دادگاهها، به اتفاق، در صورت ارتکاب یکی از مصادیق مذکور، مرتکب را محکوم می‌نمودند و شرط تحقق جرم، ارتکاب تمام آن اعمال نبود و از مفهوم و منطوق ماده نیز جز این استفاده نمی‌شود. گرچه در متن ماده اگر از کلمه «یا» استفاده می‌شد، رساتر بود اما از کلمه «و» نیز استفاده نشده و مصادیق مختلف با علامت «از» همدیگر جدا شده‌اند و هر کدام از آنها به

ماده ۱۷۵ مقرر می‌دارد:

«سرقتی که فاقد شرایط

اجرای مد باشد و موجب

افعال در نظم یا فوف شده یا

بیم تجری مرتکب با دیگران

باشد اگرچه شاکی نداشته یا

گذشت نموده باشد، موجب

حبس از شش ماه تا سه سال

می‌باشد»

۱۷۵، این ماده نسخ و قابلیت اجرا ندارد و ماده ۷۰۲ حاکم است، و در ماده ۷۰۳ برای ساخت و فروش و در معرض فروش قرار دادن و وارد کردن و در اختیار دیگری قرار دادن آن، از سه ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه

۲۰۰ بیان گردیده و بسیار با هم متفاوت هستند. اگر سرقت، فاقد شرایط اجرای حد باشد، مشمول ماده ۲۰۳ می‌باشد و تفاوتی ندارد که عناصر و کیفیات پیش‌بینی شده در مواد ۶۵۱ به بعد در آن موجود باشد یا خیر. حال آنکه اگر سرقت جامع‌الشرایط حد نباشد، مشمول مواد ۶۵۱ خواهد بود و ماده ۶۶۱ که بعد از مواد ۶۵۱، ۶۵۶ و ۶۵۸ و سایر موادی که سرقت‌های خاصی را پیش‌بینی نموده‌اند مقرر گردیده، ناظر به مواد قبل از خود است؛ یعنی شامل سرقت‌هایی است که جامع شرایط حد و نیز مشمول مواد ۶۵۱ و ۶۶۰ نیز نباشد. اگر سرقت دارای شرایط حد باشد، ماده ۱۹۸، ولی فاقد شرایط اجرای حد، ماده ۲۰۰ باشد، در این صورت مشمول ماده ۲۰۳ می‌باشد.

۵- خرید و فروش و..... مشروبات الکلی:

ماده ۱۷۵: «هرکس به ساختن، تهیه، خرید و فروش حمل و عرضه مشروبات الکلی مبادرت کند به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود».

ماده ۷۰۲: «هرکس مشروبات الکلی بخرد یا حمل و نگهداری کند به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد».

ماده ۷۰۳: «هرکس مشروبات الکلی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دو مورد از آنها محکوم می‌شود».

در ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی، برای ساختن، تهیه، خرید و فروش حمل و عرضه مشروبات الکلی، شش ماه تا دو سال حبس پیش‌بینی شده است. قانونگذار سال ۱۳۷۵، در ماده ۷۰۲ برای خرید و حمل و نگهداری مشروبات الکلی، سه ماه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق پیش‌بینی نموده است. لذا در مورد این سه مصداق از ماده





منتفی گشته‌اند و این ماده دیگر قابلیت اجرا ندارد و با تصویب مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ نسخ گردیده است.

#### نتیجه‌گیری:

در راستای سیر تکمیلی قوانین کیفری اسلامی، قانون مجازات اسلامی «تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵، به نسبت قوانین قبلی که عمدتاً ترجمه متون فقهی بوده‌اند، کامل‌تر است. مقررات فقهی که ریشه در منابع شرعی و وحی دارند، غنی‌ترین منابع حقوق به شمار می‌روند و می‌توانند منشا تصویب کامل‌ترین قوانین بشری باشند. اما این منابع باید خمیر مایه و عصاره قوانین مصوب باشند و تبیین‌کننده خط‌مشی و چارچوب آنها و نمی‌توان ترجمه عینی آنها را به صورت قوانین مصوب، قانون کاملی دانست. لذا شاهد تغییر و تحول اساسی در قوانینی بوده‌ایم که ابتدا رونویس و یا ترجمه عبارات فقهی بوده‌اند. در این مسیر در ابتدای راه هستیم امید است علمای حوزه‌های علمی، اساتید دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران علوم فقهی و حقوقی با استفاده از منابع عظیم حقوق اسلامی بتوانند راه کارهای لازم را برای تصویب قوانین اسلامی کامل و مطابق با اوضاع و احوال زمان ارائه نمایند تا گامی باشد در اجرای قوانین الهی که یقیناً تضمین‌کننده قسط و عدل در بین مردم هستند.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در این باره نظر مخالف نیز وجود دارد. مراجعه شود به کتاب مجموعه دیدگاه‌های قضایی قضات دادگستری تهران، تهیه و تنظیم معاونت تحقیقات علمی و قضایی دبیرخانه دفتر مطالعات و تحقیقات، کمیسیون امور حقوقی و قضایی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۵۷.
- ۲- کلاتری، کیومرث، مقاله «تاملی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵»، نشریه داخلی کانون وکلای دادگستری، سال پنجم، شماره نوزدهم، دی‌ماه ۱۳۷۵.

### ماده ۱۷۵ قانون مجازات

اسلامی مقرر می‌دارد:  
**«اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات فاطمی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از و عطا و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند....»**

### ماده ۱۷۵: «هرکس

به سافتن، تهیه، فرید

و فروش حمل و عرضه

مشروبات الکلی

مبادرت کند به شش

ماه تا دو سال حبس

محکوم می‌شود»

تنهایی می‌تواند تشکیل دهنده عنصر جرم مورد نظر باشد.

بر ماده ۱۷۵ ایراداتی وارد بود:

- ۱- نگهداری مشروبات الکلی به عنوان عمل مجرمانه پیش‌بینی نشده بود.
- ۲- وارد کردن نیز از مصادیق عمل مجرمانه نبود و با توجه به تفسیر محدود قوانین جزایی، غیرممکن بود که وارد کردن مصادیق تهیه محسوب شود.
- ۳- در اختیار دیگران قرار دادن نیز غیر از موارد فروش جرم محسوب نمی‌گشت.
- ۴- در این ماده اصل تناسب جرم و مجازات رعایت نشده بود؛ زیرا اهمیت و نتیجه ساختن و تهیه و عرضه با خرید و حمل یکی نیست. کسی که مشروبات الکلی را تهیه می‌کند یا می‌سازد، نسبت به کسی که ممکن است به لحاظ نیاز شخصی و به‌طور اتفاقی مبادرت به خرید نماید، استحقاق مجازات بیشتری را دارد، در صورتی که برای همه این موارد مجازات یکسانی وضع شده بود.

قانونگذار در سال ۱۳۷۵، درصدد رفع این نواقص برآمد و دو ماده قانونی را به این جرم اختصاص داد. از طرفی، مصادیقی که قبلاً پیش‌بینی نشده بودند، یعنی نگهداری و وارد کردن و در اختیار دیگری قرار دادن را جرم محسوب نمود و از سوی دیگر، بین مصادیق مهم و کم‌اهمیت‌تر تفکیک قائل شد. برای ساختن، فروش در معرض فروش قرار دادن، وارد کردن و در اختیار دیگری قرار دادن، به شرح ماده ۷۰۳، مجازات سنگین‌تری نسبت به خرید و حمل و نگهداری ماده ۷۰۲ پیش‌بینی نمود.

ملاحظه می‌گردد در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ برای ساختن، خرید و فروش و حمل و عرضه مشروبات الکلی مجازات‌های جدیدی غیر از آنچه در ماده ۱۷۵ مقرر شده، پیش‌بینی گردیده و از طرفی، با جرم دانستن ساختن و وارد کردن، دیگر مصداقی برای کلمه «تهیه» باقی نمی‌ماند. لذا در مورد تمام مصادیق ماده ۱۷۵، یا مجازات جدید وضع شده یا موضوعاً